

ماجراهای یک زن اغواگر در جنگ جهانی دوم

۸ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۲:۱۷

آرشیو ملی بریتانیا برای نخستین بار بیش از ۳۰۰۰ سند مربوط به جنگ جهانی دوم را به صورت آنلاین منتشر کرده است. این اسناد که پیش‌تر محرمانه بوده‌اند وجود «فی‌فی» مامور افسانه‌ای زیبایی که میزان رازداری ماموران مخفی تازه آموخته را می‌سنجید، تأیید می‌کنند؛ همچنین ابعادی از پرونده‌ها، خائن منفور بریتانیایی «لرد هاو-هاو» که ۷۵ سال پیش نخستین تبلیغات رادیویی نازی را اعلام کرد نیز روشن شده است.

بعد از ظهر ۷ دسامبر سال ۱۹۴۲ زن زیبای ۲۲ ساله کافه‌ای در لیورپول را تحت نظر قرار داد تا طعمه‌اش را بیابد. طعمه‌اش دارای تمامی مشخصاتی بود که در اختیار او قرار داده بودند: ۲۶ ساله بود با سبیل مشکی رنگ، چهره‌ای رنگ پریده و چشمانی درشت. خال‌های روی گونه‌چپ و چانه‌اش شکی نمی‌گذاشتند که او خوزه تینچنت است.

او به مامور تازه آموخته نزدیک شد و از او پرسید: «شما آقای تس هستی؟» تینچنت که انتظار مردی بلند قد با چشمانی آبی را داشت شگفت‌زده شد و با لکنت زبان هویتش را تأیید کرد. بانوی شیک‌پوش صندلی را جلو کشید و خود را ژورنالیست مستقل فرانسوی، کریستین کولار معرفی کرد: «از من خواسته‌اند تا به شما کمک کنم.» او توضیح داد که درباره حمل و نقل در دوران جنگ مطالبی نوشته و اگر کمکی از دستش بر بیاید انجام می‌دهد. دو نفر تمام روز را با هم گذراندند، در کافه‌های مختلف قهوه نوشیدند، به تماشای فیلم در سینمای محلی رفتند و از شام لذت بردند. جاسوس تازه آموزش دیده علیرغم اینکه متعهد شده بود هیچگونه اطلاعاتی را در اختیار کسانی که نام رمز را بلد نیستند نگذارد، از مقاومت در برابر این زن زیبا دست برداشت و همه جزئیات درباره خانواده‌اش، تمرینات آموزشی و عملیات مخفیانه در کشور محل تولدش یعنی بلژیک را افشا کرد.

کولار به بالادستانش گزارش داد: «شب نرسیده همه چیز را درباره او می‌دانستم.» این خبر بسیار بدی برای تینچنت بود زیرا زن جوان با نام رمز «فی‌فی» مامور مخفی سازمان اجرای عملیات مخصوص در بریتانیا بود؛ سازمانی جاسوسی که توسط وینستون چرچیل در جنگ جهانی دوم برپا شد تا ماموران تازه کار را بیازماید تا مطمئن شوند ماموریت‌های مخفیانه را افشا نخواهند کرد. پس از آنکه فی‌فی گزارشش را ارسال کرد شغل جاسوسی برای تینچنت به پایان رسید.

برای چندین دهه شایعاتی درباره یک جاسوس زن اغواگر که به استخدام بریتانیا درآمده بود جریان داشته تا اینکه با انتشار این اسناد که بیش از ۲۰۰ صفحه از گزارش‌ها و اطلاعات دست‌نویس او را منتشر کرده‌اند، هویت او تأیید شد: او مری کریستین شیلور

نام داشت. جاناتان کل، محقق آرشیو ملی بریتانیا می‌گوید: «فی فی موجودی افسانه‌ای در سرویس اجرای عملیات مخصوص شناخته می‌شد. تا امروز هویت و خدمات او پنهان بودند ولی با انتشار این اسناد، هویت او، مهارت‌های فوق‌العاده و نقش مهمش در عملیات سری جنگ جهانی دوم افشا شد.»

شیلور در سال ۱۹۲۰ در لندن از پدری انگلیسی و مادری لاتویایی پا به دنیا گذاشت. او در ریگا بزرگ شد و در مدرسه آلمانی‌ها تحصیل کرد و سپس در سال ۱۹۴۰ به پاریس رفت تا در سوربن به تحصیل زبان فرانسه بپردازد. پس از آنکه پاریس به اشغال آلمان درآمد او به اردوگاه بسانکن فرستاده شد ولی موفق شد به همراه اسرای جنگی انگلیسی فرار کند. او در اکتبر ۱۹۴۱ به همراه یک افسر نیروی هوایی بریتانیا وارد انگلستان شد. این افسر زخمی او را یکی از «ماهرترین دروغگوهای جهان» نامید و مشکوک بود که جاسوس آلمان‌ها باشد زیرا سرحال‌تر و سالم‌تر از آن به نظر می‌رسید که دوران زندان را سپری کرده باشد. مقامات اطلاعاتی - امنیتی بریتانیا او را مورد بازجویی قرار دادند تا درباره‌اش مطمئن شوند و متوجه شدند که «شخصیت محکم و هوش استثنایی و شجاعتش»، همچنین تسلطش به زبان آلمانی می‌تواند به کار بیاید. در پاییز ۱۹۴۲ شیلور که پول و شغلی نداشت حاضر شد تا آموزش دیدگان سازمان اجرای عملیات مخصوص را در سراسر بریتانیا مورد آزمون قرار دهد و در ۹۶ ساعت پایانی دوره‌های آموزشی، قابلیت رازداری آن‌ها را بسنجد.

تنها معدودی از مقامات اطلاعاتی از هویت حقیقی شیلور آگاهی داشتند و گزارش‌های دقیق او می‌توانست آینده آموزش دیدگانی همچون تینچنت را رقم بزند. فی فی علاوه بر ماموران مرد، ماموران زن را نیز مورد آزمون قرار می‌داد و هیچ ماموری به او تعدی نکرد.

مافوقان فی فی او را «بسیار باهوش، سریع و با معلومات» می‌دانستند ولی هرگز با درخواست او برای ترفیع مقام موافقت نکردند و آرزوی او برای اجرای ماموریت در فرانسه هرگز برآورده نشد. پس از پایان جنگ او سرویس اطلاعاتی را ترک کرد و در انگلستان به زندگی ادامه داد. او در سال ۲۰۰۱ با پولی که دولت شوروی بابت املاک توقیف شده خانواده‌شان در لاتویا پرداخت کرده بود توانست یک پناهگاه حیوانات راه‌اندازی کند؛ شیلور در سال ۲۰۰۷ از دنیا رفت.

اسناد منتشر شده توسط آرشیو ملی فقط به فی فی محدود نمی‌شوند و تعدادی مقاله، اعلامیه و نامه از ویلیام جویس، منفورترین خائن بریتانیایی در طول جنگ جهانی دوم را نیز شامل می‌شوند. جویس در بروکلین به دنیا آمد و در ایرلند بزرگ شد و پس از مهاجرت به انگلستان در سال ۱۹۲۰ از رهبران فاشیست شد. در سال ۱۹۳۹ تنها چند روز پیش از آنکه تانک‌های آلمانی به لهستان حمله کنند جویس از نقشه بریتانیا برای دستگیری‌اش آگاهی یافت و به آلمان گریخت. نازی‌ها او را استخدام کردند تا پروپاگاندای رادیویی بنویسد و اجرا کند. در این گزارش‌های رادیویی او میزان تلفات را اغراق شده اعلام می‌کرد و با ارائه اطلاعات غلط سعی داشت در روحیه مردم انگلستان و ارتش آن‌ها تاثیر بگذارد. صدای جویس نخستین بار در ۱۸ سپتامبر ۱۹۳۹ از رادیو پخش شد و به زودی میلیون‌ها نفر از مردم انگلیس رادیوهایشان را روشن می‌کردند تا برنامه او که با جمله «این صدای آلمان است! این صدای آلمان است!» آغاز می‌شد را بشنوند. لهجه متکبرانه و نحوه تلفظ انگلیسی جویس مورد تمسخر مردم بود و به او

لقب «لرد هاو - هاو» را داده بودند ولی گزارش‌های او لبخند به لب ارتش بریتانیا نمی‌آورد. در گزارش دفتر جنگ در سال ۱۹۳۹ آمده است که «گزارش‌های جویس ابتدا مایه سرگرمی مردم بریتانیا بود ولی سپس در روحیه مردم کشور تاثیر گذاشت.»

بیانیه‌های جویس تا پایان جنگ ادامه یافتند. در نهایت این صدای متفاوت و بارز او بود که باعث دستگیری‌اش شد. سربازان انگلیسی او را از صدایش تشخیص دادند و اگرچه شهروند آمریکایی - آلمانی بود ولی بر اساس پاسپورت بریتانیایی‌اش محاکمه و به جرم خیانت اعدام شد.

در میان ۳۳۰۰ سند منتشر شده توسط آرشیو ملی پرونده سسیل دی لوئیس (پدرهنرپیشه مشهور دنیل دی لوئیس) ادیب انگلیسی که در دهه ۱۹۳۰ به حزب کمونیست پیوست نیز به چشم می‌خورد. همچنین پرونده‌های رالف بادن پاول گزارشگر پروپاگاندا نازی، سر اسوالد موزلی بنیانگذار اتحادیه فاشیست‌های

بریتانیایی و رودلف هس از رهبران نازی نیز منتشر شده‌اند.

منبع: تاریخ ایرانی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۸۲۷۱/دوم-جهانی-جنگ-اغواگر-زن-یک-ماجرای>